

تربیت و حقوق کودک بر مبنای آموزه های دینی - قرآنی

دکتر مختار رنجبر ۱، مهدی کاهکش ۲

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی لامرد، گروه علوم تربیتی، ایران

ranjbarmokhtar@yahoo.com

۲. ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان، واحد آموزش و پرورش امیدیه، دانشجوی دکتری

رشته فلسفه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

mehdikahkesh1354@gmail.com

چکیده

تربیت به معنای پروردن، نشو و نما دادن و زیاد کردن و از ماده «رَبَّوْ» است که به معنای بالا رفتن، اوج گرفتن، افزودن و رشد کردن است. برخی گفته اند تربیت، از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن است. اما تربیت در اصطلاح، کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او است. به عبارت دیگر، تربیت به فعلیت رساندن استعدادها، به کمال رساندن فرد مستعد کمال و نیز مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است. در این مقاله که به روش مطالعه اسنادی صورت گرفته، سعی شده تا اهداف تربیت و حقوق کودک بر مبنای آموزه های دینی - قرآنی در سطوح مختلف بیان گردد. پیامبر صلی الله علیه وآله در راه تثبیت محبت و الفت میان مردم، همواره تلاش می کرد و مظاهر قساوت و سختدلی را مورد انتقاد و سرزنش قرار می داد و آنها را از ساده ترین مظاهر تا بدترین و بزرگترینشان به شدت رد می کرد و بعکس، مظاهر عطف و نیکویی را حتی در ساده ترین و کوچک ترین اشکالش، همچون بوسیدن کودک، می ستود و با کسانی که اهل اظهار محبت و بوسیدن کودک نبودند، به شدت برخورد می کرد.

واژگان کلیدی: تربیت و حقوق کودک، آموزه های دینی - قرآنی، محبت، عطف و نیکویی، کیده

مقدمه

با توجه به دیدگاه‌های روان‌شناسی درباره اهمیت محبت و تکریم کودکان، روشن می‌شود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مقام مربی و معلم برتر انسان‌ها، که در سایه اتصال با منبع وحی، از فطرت و سرشت انسان‌ها آگاه است، چرا تا این حد بر محبت و توجه به کودک، تأکید ورزیده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به تمام کودکان به طور عام و فرزندان خود به طور خاص محبت و توجه می‌کرد و به تکریم و احترام آنان می‌پرداخت تا به رشد روانی و عاطفی کامل برسند و زمینه تعلیم و تربیت دینی آنان نیز فراهم آید. اگر بخواهیم شاهد یک تربیت صحیح و ایده آل و پربازده در جامعه اسلامی باشیم، می‌بایست از شیوه‌ها و روش‌های تربیتی مناسب که مطابق با موازین و راهکارهای عقلی و شرعی است، بهره‌جویی کنیم. بهترین و کلیدی‌ترین شیوه‌های تربیتی را می‌توان در اقوال و افعال شایسته اهل بیت(ع) پی‌جویی کرد. دوران کودکی بسیار حساس و روح کودک نیز بسیار اثرپذیر است و همه رفتارها را در خود ضبط می‌کند و به تدریج بروز می‌دهد و سهل‌انگاری در تربیت کودک عواقب نامطلوبی در پی دارد. نظام تربیتی اهل بیت(ع) از آیات متعدد قرآن که در ارتباط با تعلیم و تربیت انسان سخن می‌گویند، به خوبی قابل استنباط است. اگر به قرآن و سیره اهل بیت(ع) مراجعه کنیم و با دقت در آن بیندیشیم، به این نکته اذعان خواهیم کرد که تمام تعلیمات و فعالیت‌های تربیتی آن بزرگواران بر این واقعیت‌های دینی و انسانی مبتنی بوده است؛ چرا که ایشان فطرت انسانی را پرورش می‌دادند، مردم را به توحید دعوت می‌کردند، انسان را با اهداف آفرینش و هدف خلقت خودش آشنا می‌ساختند، با هر فرد به اندازه قدرت درک و فهمش سخن می‌گفتند و راه رسیدن به سعادت ابدی را برایش روشن می‌کردند تا با اراده و اختیار خود، آن راه را برگزیند. در این مقاله که به روش مطالعه اسنادی صورت گرفته، سعی شده تا اهداف تربیت و حقوق کودک بر مبنای آموزه‌های دینی - قرآنی در سطوح مختلف بیان گردد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می‌باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب‌های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم‌ترین موتورهای جستجو و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودند از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال‌های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معینی در یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری

معنای واژگانی تربیت

بدواً برای هم‌افق‌سازی ذهن و زبانمان در محدوده حدود و تعاریف، به تحلیل لغوی و مفهومی واژه "تربیت" می‌نشینیم. لغت پربسامد "تربیت" را برخی از ریشه "رب" گرفته‌اند، به معنای پروریدن و برخی از ریشه، "ربو" ، به معنای زیادت و فزونی. [۳] نویسنده "التحقیق" نیز میان واژه‌های «ربیء» مهموز و «ربب» و «ربو» فرق نهاده است. از منظر ایشان: «ربیء» به معنای علو و بلندی، «ربب» به معنای کشاندن به سوی کمال و «ربو» به معنی پذیرش گستردگی و شکوفایی است که نتیجه‌اش زیادی و فضل باشد. [۲].

اهمیت تربیت

از تعریف بالا اهمیت فراوان تربیت آشکار می گردد، چون انسان، ترکیبی از استعدادها و قوای جسمی و روحی است. پیامبر گرامی اسلام در حدیثی انسان ها را به معادن تشبیه کرده و فرموده است: «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضة، مردم معدن هایی هستند همچون معادن طلا و نقره» [۴]. چنانچه این استعدادها به شکوفایی و فعلیت نرسد، زندگی انسان بیهوده و عبث خواهد بود و کسی که هدف مشخص و اعتقادات راسخی دارد، هرگز بدین وضع راضی نیست، بلکه همواره در مسیر کمال گام می نهد و هر لحظه خود را به هدف نزدیک تر می کند. پس انسانی دور از تربیت، یعنی انسان دور از حیات فرهنگی و اعتقادی، دور از کمال و پیشرفت، انسان بی هدف و بالأخره انسانی دور از انسانیت [۵].

اهمیت کودک و دوران کودکی

امروزه درباره کودک و اهمیت دوران کودکی تحقیقات زیادی به عمل آمده است و روان شناسان و پژوهشگران تعلیم و تربیت، در این زمینه توجه فراوانی مبذول داشته و درباره رشد جسمانی و روانی کودک مطالعات زیادی انجام داده اند. آنان نقش تجارب کودکی را برای کسب شخصیت سالم در مراحل مختلف رشد و بخصوص بزرگسالی، مهم می دانند. اما در گذشته و بخصوص در عصر جاهلیت هم عصر نزول قرآن، چنین دیدگاهی حاکم نبود. این دیدگاه و نگرش غلط به کودک در بین دیگر اقوام و ملل نیز وجود داشت تا آنجا که حتی در بین برخی از اقوام، کشتن کودکان را حق قانونی والدین می دانستند [۶]. در لسان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، کودک بسان یک انسان و آفریده خدا، جایگاه ویژه ای دارد و باید مورد تکریم و محبت قرار گیرد تا بتواند انسان صالح و سازنده ای برای خانواده و جامعه خود باشد. پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در جامعه ای که بر خوردهایی ناشایست و ناپسند با کودکان می شد، به روشنگری و هدایت اندیشه ها پرداخت و کودک و به ویژه فرزند صالح را ستود [۷].

عوامل مؤثر در تربیت

عوامل گوناگونی پیوسته در انسان و زندگانی او تأثیر می گذارند. مربی می خواهد از این عوامل در جهت مصلحت فرد بهره گیرد و یا احياناً از آثار سوء آن بکاهد. این عوامل عبارت اند از: الف) خانواده، ب) مدرسه، ج) گروه های دینی و اخلاقی، د) عوامل پیش بینی نشده [۵].

الف) خانواده

تأثیر خانه و خانواده در فرد، نامحدود است و می توان گفت پایه های تربیتی فرد در خانه نهاده شده است، چون فضای خانه آرامش و نیازمندی های روانی او را تأمین می کند و فرصتی را برای ارضای تمایلات و غرایز او فراهم می سازد و این امور در چگونگی رشد کودک مؤثر است. خانه اساس سلامت اخلاقی کودک را بنیانگذاری می کند، زیرا او ارزش های اخلاقی، علاقه به راستی و درستی و تنفر از دروغ و نادرستی، گرایش به تعاون و همکاری، علاقه به هم نوع و بالأخره دوست داشتن فضایل و مبارزه با رذایل را از محیط خانه فرا می گیرد. [۸] ساختار عقلانی کودک، از طریق مسموعات (شنیدن الفاظ به کار رفته در میان افراد خانواده، داستان ها و ...) خواندنی ها (مانند کتاب ها و مطبوعات و ...) و مشاهدات مانند تلویزیون، حوادثی که در محیط خانواده رخ می دهد و رفتارهایی که از بزرگ ترها می بیند بنیان نهاده می شود.

ب) مدرسه

از آنجا که تمام ملت ها می کوشند کودکان خود را درست تربیت کنند و از آثار منفی محیط خانوادگی بکاهند، مدارس تأسیس شدند تا محیطی تربیتی که از یک سو مورد پذیرش اجتماع و از سوی دیگر مورد حمایت دولت هاست، فراهم شود.

ج) جمعیت دینی و اخلاقی

در عصرهای گذشته و در عصر کنونی، گروه‌هایی دینی و اخلاقی مانند واعظان به تربیت افراد می‌پرداخته‌اند و عده‌ای هم برای یاری رساندن به ملت‌ها، با برگزاری همایش‌ها، انتشار کتاب‌ها، ساخت ابزارهایی چون اسباب بازی برای کودکان، تلاش کرده‌اند تا گام‌هایی را در این مسیر بردارند. [۹]

د) عوامل پیش‌بینی نشده

عوامل دیگری هم وجود دارند که پیش‌بینی نشده‌اند و ناخودآگاه در طرز رشد کودک بسیار تأثیر گذارند، مانند وراثت، محیط شهر و روستا، دوستان و هم‌بازی‌ها، و هر عامل دیگری که کودک ناخواسته از آن تأثیر می‌پذیرد و اخلاق و رفتار او را دگرگون می‌سازد [۱۰].

اصول تربیت دینی کودکان

۱. محبت

اخلاق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اخلاق قرآنی و مظهر ملامت و رحمت و الگوی شفقت و مهرورزی بود و دامنه محبت او، بزرگ و کوچک را فرا می‌گرفت. کودکان در نزد او جایگاه خاصی داشتند و آن حضرت در موقعیت‌های مختلف، از جمله در خانه، کوچه، مسجد، بازار، میدان جنگ و... با کودکان مهربانی می‌کرد و اطرافیان را نیز به این امر تشویق می‌فرمود. از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایتی در بیان اهمیت محبت به کودکان با این عبارت نقل شده است: از ما نیست کسی که بزرگ ما را احترام نکند و به کوچک ما رحم نرزد. همچنین در مقامی از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «خدواند به خاطر محبت انسان به فرزندش به او رحمت می‌کند» [۱۱]

۲. تکریم

درباره تکریم کودک نیز توصیه‌هایی در روایات به چشم می‌خورد. «اکرام به معنای آن است که کسی را بزرگ و شریف شماری و گرامی‌اش داری و به او نفعی خالص برسانی.» [۱۲] اکرام آدمی از نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دوران کودکی آغاز می‌شود و شعاع آن از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مصادیق تا کوچک‌ترین موارد را شامل می‌شود. دستورات و تعالیم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر نام نیک نهادن بر نوزاد، عقیقه و دیگر آداب تولد، سلام کردن به کودک و... از جمله موارد تکریم کودکان است. یکی از راه‌های رسیدن به کرامت آن است که انسان، کرامت را در اطرافیان خود ببیند و لمس کند. برای اینکه انسان کریم شود و شریف‌النفوس بار آید، باید کرامت ببیند و مورد تکریم و احترام قرار گیرد. و این امر از دوران کودکی اهمیت دارد. [۱۳] پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سخنانی فرموده است: همان‌گونه که فرزند نباید نسبت به والدین خود بی‌احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی‌احترامی کنند. همچنین آن حضرت در سخنی فرموده است: فرزندان خود را تکریم کنید و گرامی دارید و با آنان با آداب نیکو معاشرت کنید. بی‌شک، گرامی داشتن و اکرام کودک در ایجاد دلبستگی بین او و اطرافیان تأثیرگذار است و زمینه پذیرش آموزه‌های اخلاقی و تربیت دینی را فراهم می‌سازد [۱۴].

۳. عدالت

از موارد مهمی که در محبت به کودک، حتی در پایین‌ترین مظاهر آن، باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت برابری و تساوی در برخورد با کودکان هم‌جنس و غیرهم‌جنس است. از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود: خدواند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود، حتی در بوسیدن آنان یکسان عمل کنید. همچنین در مقامی دیگر، آن حضرت فرمود: از خدای بترسید و میان فرزندان‌تان به عدالت رفتار کنید، همچنان که شما نیز دوست دارید آنان به شما نیکی و احسان کنند [۱۵]. امر به تقوای الهی در آغاز سخن، در کنار فرمان به عدالت، نشان از اهمیت فراوان رفتار با کودکان دارد. در این روایت، یک اصل مهم اخلاقی و تربیتی

معرفی شده است که تنها افراد متقی و خداترس آن را اجرا می‌کنند. علاوه بر آن، در جمله پایانی روایت به روابط عاطفی متقابل پدر و مادر و فرزندان اشاره شده است و از آن چنین برداشت می‌شود که رفتار والدین با کودک، در برخوردهای بعدی او با والدین تأثیرگذار است، یعنی رعایت عدالت بین کودکان، موجب رضایت قلبی کودکان و مهرورزی و احسان آنان به پدر و مادر می‌شود. براساس سخن دیگری از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رعایت عدالت و مساوات در رفتار با کودک، به عنوان یکی از حقوق مسلم فرزند بر پدر و مادر، معرفی شده است. [۱۶]

۴.۴. اعتدال و پرهیز از افراط و اجبار

انگیزه و گرایش درونی انسان در تربیت دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطالعه احادیث و سیره عملی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و دیگر پیشوایان دینی نشان می‌دهد که تمام تلاش این بزرگواران در درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم دینی بوده است. باید با کودکان به گونه‌ای رفتار شود که با افزایش خودآگاهی، از درون گرایش به ارزش‌های دینی پیدا کنند و با جان و دل آموزه‌های دینی و اخلاقی را بپذیرند. از این رو، تربیت دینی امری پیوسته و مداوم است که باید بدون هرگونه اکراه و اجبار و یا زیاده‌روی و سخت‌گیری بی‌مورد انجام پذیرد تا همیشگی و پایدار باشد [۱۷].

۵. قاطعیت و جدیت

تأکید و توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر محبت به کودکان، هرگز مانعی در راه تربیت صحیح آنان به شمار نمی‌رفت، بلکه آن حضرت همان قدر که به آنان عشق می‌ورزید و به تکریم آنان می‌پرداخت، به تربیت و پرورش آنان نیز اهمیت می‌داد و در این راه قاطعیت و جدیت داشت. مواردی همچون جدیت در آموزش نماز، دعا و خواندن ذکر و قرآن به فرزندان خود، حتی به کودکان زیر هفت سال و توجه به پرورش و تعلیم آنان، نمونه‌هایی از این مدعاست [۱۸].

انواع تربیت

تربیت بر سه قسم است: تربیت بدنی، تربیت عقلی، تربیت روحی.

۱. تربیت بدنی

تربیت بدنی، پروراندن جسم کودک است تا او بتواند به اعمال گوناگونی بپردازد و بدنش در برابر بیماری‌ها مقاوم گردد. شنا، تیراندازی و سوارکاری بخشی از روش‌های تربیت بدنی در اسلام است که روایاتی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) نیز در این باره نقل شده است. هدف از این گونه تربیت، تقویت جسم و تمرین آن بر تحمل ناهمواری‌هاست. پس بهره‌برداری و تمتع از زندگی، یکی از هدف‌های تربیت بدنی در اسلام است، زیرا بدن ناتوان نمی‌تواند بهره‌خویش را از زندگانی به دست آورد. پیامبر اسلام می‌فرماید: «إِنَّ لِبَدَنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، بَرِّئَ بَدَنُكَ، بَرِّئَ بَدَنُكَ، بَرِّئَ بَدَنُكَ، بَرِّئَ بَدَنُكَ» [۱۹] بر اساس این حدیث باید وسایل تغذیه و آسایش و بهداشت بدن را فراهم ساخت. اسلام ما را به بهره‌برداری از مزایای دنیا برای بدن دعوت می‌کند، اما در صدد تنظیم و تعدیل نیازهای آن است، زیرا اگر انسان بخواهد به گونه‌ای افسار گسیخته در صدد تأمین نیازهای جسم خود باشد، در هیچ حدی متوقف نمی‌شود.

۲. تربیت عقلی

اسلام دینی فطری است و تمام قوا و نیروهای انسانی را محترم می‌شمرد و از راه صحیح و به دور از افراط و تفریط، آنها را پرورش می‌دهد. به همین جهت، عقل را نیرویی با ارزش معرفی و آن را در راه خیر و نیکی تربیت می‌کند. اسلام عقل بشر را به بهره‌برداری از نیروهای مادی و به کارگیری آنها برای زندگانی متوجه می‌سازد. قرآن کریم می‌فرماید: (فَأْمُرُوا فِي مَنَاقِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ)، «در اطراف زمین بگردید و از روزی خدا بخورید» (وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ)، «ما به شما در زمین، قدرت و توانایی دادیم و در آن، وسایل زندگی شما را فراهم ساختیم». اما از سوی دیگر، اسلام روح بشر را به ارتباط با خدا و ترس از او متوجه می‌گرداند. به همین جهت، انسان با استفاده از نیروی عقل شیفته و فریفته آن نمی‌شود و این تصور در او به وجود

نمی آید که عقل عصاره زندگی و تنها گوهر حیات است. از این رو، مسلمان در سایه تعالیم اسلام زندگی می کند، از این نیرو - در حالی که زمام آن در دست وحی است - بهره مند می شود [۲۰].

۳. تربیت روحی

اسلام عنایت خاصی به پرورش روح دارد، چون مرکز و کانون شخصیت انسان را تشکیل می دهد و بدون تردید این نیروی مجهول، بزرگ ترین نیرو در وجود و هستی است، چون نیروی جسمی بشر به امور مادی و محسوسات و نیروی عقل به معقولات و زمان، مکان و آغاز و انجام، و بالأخره به فنا و نابودی محدود است، ولی نیروی روح نامحدود است و دستخوش دگرگونی های زمان و مکان نمی شود و بی آغاز و انجام و فناپذیر است [۲۱].

ابعاد تربیت دینی

۱. آموزش نماز و دعا: در بیان سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که هرگاه به ایشان و خانواده اش، تنگدستی و سختی می رسید، می فرمود: برخیزید و نماز بخوانید که آفریدگار مرا به این کار امر فرموده است. امر خداوند که رسول صلی الله علیه و آله در پایان این سخن، بدان اشاره کرده، آیه ۱۳۲ از سوره «طه» است، زیرا خداوند در این آیه خطاب به پیامبر و همه پدران و سرپرستان خانواده فرموده است: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش.» از این آیه به خوبی برمی آید که نماز خوان کردن اهل خانواده (بخصوص کودکان) و تربیت دینی آنان کاری دشوار است و نیاز به صبر و بردباری دارد. درباره آغاز آموزش نماز به کودکان نیز، به طور خاص روایاتی نقل شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده است: «کودکان خود را در هفت سالگی به نماز خواندن امر کنید و به آنان نماز را یاد دهید و در ده سالگی برای نخواندن نماز، آنان را تنبیه کنید و در این سن بسترهایشان را از هم جدا کنید [۲۲].»

۲. آموزش قرآن: یکی دیگر از جنبه های تربیت دینی کودک، آموزش قرآن در ابعاد مختلف قرائت، روخوانی و مفاهیم آن است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان وظایف والدین، این نکته مهم را نیز از نظر دور نداشته است. در سخنی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «فرزندان خود را بر پایه سه ویژگی تربیت کنید: محبت ورزیدن به پیامبر و اهل بیت او و قرائت قرآن» آن حضرت همچنین در روایت دیگری، برای والدینی که به فرزند خود قرآن آموزش دهند، ثواب و پاداش اخروی بیان کرده است [۲۳].

تربیت دینی

شناخت مفهوم «تربیت دینی» منوط به شناخت معنای دو کلمه «تربیت» و «دین» است. از این رو، لازم است به معنای این دو واژه اشاره شود: واژه «تربیت» در لغت، به معنای پروراندن یا پرورش دادن - یعنی: به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، واژه «تربیت» آمده. اما در اصطلاح، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. این تعاریف در عین تعدد، همگی در این جهت توافق دارند که تربیت فرایندی است که نتیجه اش تغییر رفتار فرد (اعم از ظاهری و باطنی) و کسب هنجارهای مورد قبول می باشد. اولاً، حصول چنین چیزی نمی تواند دفعی باشد. ثانیاً، متربی نیز باید استعدادهای لازم را برای تربیت پذیری دارا باشد. اما علاوه بر این، پرورش واقعی در صورتی محقق می شود که جریان تربیت بر اساس فطرت و سرشت متربی انجام گیرد [۲۴]. واژه «دین» نیز در لغت، به معنای کیش، آیین، طریقت، و شریعت (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، واژه «دین» و در اصطلاح، عبارت است از: مجموعه اصول و قواعد بنیادی و احکام و دستوراتی که از سوی خدا به انسان داده شده است. به عبارت دیگر، دین شامل گزاره های توصیفی و تجویزی است و سه عنصر اساسی دارد:

الف. شناخت: نخستین عنصر مؤثر در دین داری و تدین، علم به اصول و قواعد ضروری دین است. یعنی متدین باید گزاره های دینی را از طریق استدلال و برهان عقلی دریافت نماید، مانند توصیف این که «الله آفریننده جهان است» یا «خدا یکی است» از گزاره های توصیفی مربوط به مسائل اعتقادی است که یک موحد باید بداند. آنچه در این زمینه قابل توجه است این که درباب

شناخت گزاره های دینی، نباید به ظن و گمان قناعت کرد، زیرا خداوند می فرماید: «لا تقف ما لیس لک به علم (اسراء: ۳۲)، از چیزی که به آن علم نداری پیروی نکن». بلکه به علم و یقین باید رسید [۲۵].

ب. ایمان: عنصر دوم در دین التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی است. به کسی که اعتقاد قلبی نسبت به خدا نداشته باشد، متدین گفته نمی شود. ریشه تمام ارزش های اخلاقی ایمان به گزاره های دینی بوده و این ایمان مبتنی بر معرفت و شناخت است، به گونه ای که هر چه معرفت کامل تر باشد، آن ایمان نیز بارورتر خواهد بود. البته علم و ناخست شرط کافی برای ایمان نیست، بلکه شرط لازم آن است و عنصر اراده و گرایش باطنی به التزام قلبی نسبت به باورهای دینی جزء اخیر ایمان را تشکیل می دهد ایمان یک عمل قلبی کاملاً اختیاری است که فرد پس از شناخت لازم و به دور از فشارهای بیرونی یا اصول اسلامی را پذیرا می شود و یا آن را انکار می کند. چه بسا افرادی هستند که در عین شناخت گزاره های دینی، در اثر لجاجت و عناد، ایمان نمی آورند. در مورد انتخابی بودن ایمان، شواهد فراوانی از آیات قرآن وجود دارد، از جمله این که خداوند می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان: ۴)، ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر و پذیرا باشد یا کفران کننده و ناپذیرا. در جای دیگری می فرماید: «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶)، در قبول دین اکراهی نیست [۲۶].

ج. عمل: عنصر سوم دین عمل به گزاره های تجویزی و احکام دینی است، یعنی: آنچه را فرد از باورهای دینی می داند و به آن ایمان دارد، در مرحله عمل نیز آشکار سازد. عملی از نظر اسلام ارزشمند است که ناشی از ایمان راسخ به اصول دین و ارزش های مذهبی باشد. در موارد متعددی از قرآن کریم، ایمان پیش از عمل صالح ذکر شده است، مانند «آمنوا و عملوا الصالحات» (یونس: ۱۰) و این می رساند که هیچ عملی بدون ایمان نیکو و پذیرفته نیست. در این مورد، شواهد فراوانی از قرآن وجود دارد که عمل صالح را مشروط به ایمان می کند، نظیر «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبة» (نحل: ۱۲۹)، هر کس از مرد و زن کار نیکی انجام دهد، به شرط این که ایمان داشته باشد، ما او را زندگی پاک و پاکیزه ای می بخشیم [۲۷].

رابطه تربیت دینی و اخلاقی

بررسی این مطلب نیاز به شناخت مفهوم «دین» و «اخلاق» و نسبت میان آن دو دارد. مفهوم دین از مطالب گذشته روشن شد. «اخلاق» صفت فعل اختیاری است و به افعالی اخلاقی گفته می شود که قابل اتصاف به خوب و بد باشد و بر اساس بایدها و نبایدها انجام گیرد. ویژگی دیگر فعل اخلاقی آن است که مطلوبیت بالغیر دارد و همه ارزش آن به دلیل نتیجه ای است که با انجام آن کار عاید انسان می شود، مانند انجام کارهای شایسته از قبیل خدمت به محرومان و فقرا که برای کسب رضای خدا صورت می گیرد. [۲۸]. از سوی دیگر، بایدها و نبایدهای اخلاقی مبتنی بر اصول و قواعد بنیادین دینی است. بایدها و نبایدهای اخلاقی از نظر اسلام، بر معیار اندیشه ها و باورهای مسلم اسلامی قابل تبیین است، یعنی: هر کس نخست باید اصول و عقاید اسلامی را بشناسد و قلباً به آن ها ملتزم شود، سپس به ارزش های اخلاقی ناشی از آن عمل نماید. بر این اساس، نسبت بین دین و اخلاق عام و خاص مطلق است، به این معنا که حوزه دین اعم از دایره اخلاق است، زیرا بخشی از گزاره های دینی که عبارت از اندیشه های بنیادین دین می باشد، خارج از معیارهای اخلاقی است. اما گزاره های اخلاقی عموماً داخل در قلمرو دین است. در نتیجه، تربیت دین نیز اعم از تربیت اخلاقی است. تربیت دین در تمام جنبه ها، اعم از اعتقادی، رفتاری و عاطفی، فراگیرتر از تربیت اخلاقی است. [۲۹]. منظور از تربیت دینی چیزی جز تربیت اسلامی نیست و مهم ترین وظیفه مربیان کودک و نوجوان، اعم از والدین و معلم، این است که مرتبی را در محیط خانه و مدرسه در سه بعد شناخت و ایمان در حوزه دینی و در بعد عمل به بایدها و نبایدها در قلمرو اخلاق، پرورش دهند. شروع تربیت دینی بهتر است از محور شناخت باشد تا با اعطای بینش به مرتبی نسبت به مفاهیم و ارزش های دینی در وی انگیزه ایجاد کند تا خود با گرایش قلبی به سوی عمل رود. به عنوان مثال، به جای دستور به خواندن نماز، ارزش، فضیلت و پاداش آن را به مرتبی تفهیم نماید. جریان تربیت، به خصوص تربیت دینی، تحمیل پذیر نیست. از این رو، بر مرتبی لازم است که به دور از هرگونه فشار بر مرتبی زمینه رشد و شکوفایی استعدادهایی فطری و بالقوه او را فراهم سازد [۳۰].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که خوش رویی و مهرورزی و نوازش های پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهما السلام پس از فریضه نماز، نشان از تأثیر ارتباط عاطفی در پذیرش آیین های دینی و مذهبی به وسیله کودکان دارد. علاوه بر آن، از چگونگی تعامل رسول خدا با فرزندان و نوادگان خود، نقش پدر در تربیت دینی فرزندان آشکار می گردد و نشان می دهد تأثیر حضور کمی و کیفی پدر در خانه و تلاش او در تربیت و پرورش کودک، اصل مهمی در قوام خانواده، حمایت از مادر و رشد و بالندگی فرزندان به شمار می رود، اصلی که امروزه متأسفانه به دلیل مشکلات فرهنگی و اقتصادی مغفول واقع شده است. تصور غالب عمومی چنین است که وظیفه تربیت فرزند، تنها به عهده مادر است و پدر نان آور خانواده به شمار می رود. گرچه اسلام و همچنین دیدگاه های روان شناسی، نقش مادر را در رشد و تربیت کودک، نقش اساسی و مهم می داند و وظیفه اصلی او را تربیت فرزندان و رسیدگی به امور خانواده معرفی می کند، اما این امر هرگز به معنای آن نیست که پدران در امر رشد و تربیت کودکان، مادران را تنها و بدون حمایت گذارند و تمام وقت و انرژی خود را صرف کار در بیرون از خانه و تأمین هزینه های مالی خانواده بنمایند.

بنابراین این مطالعه نشان داد، در ابتدای کودکی، فرزندان تنها به مادر دلبستگی پیدا نمی کنند، بلکه در این دوره، پدران نقش فعال تری به عهده دارند و فقدان پدر، در نقصان مهارت های شناختی در هر دو جنس بی تأثیر نخواهد بود. البته این فقدان تنها به معنای فقدان فیزیکی نیست، بلکه گاه پدر حضور دارد، ولی به دلیل عدم آگاهی، نگرش غلط، مشکلات شخصیتی و روحی و درگیری های شغلی و اقتصادی، توجه و محبت کافی به فرزندان ندارد. در این حالت نیز فرزندان به همان اندازه آسیب می بینند که غیبت پدر، بر روی آنان تأثیر منفی می گذارد. علاوه بر آن، وقتی زن از حمایت های همسر، در امر مراقبت و تربیت کودکان محروم شود، نمی تواند نقش مادری خود را به خوبی ایفا کند و در نتیجه، کودکان از این جنبه نیز آسیب می بینند. اقتدار پدر، بخصوص در زمینه تعلیم و تربیت کودکان، نقش فوق العاده ای دارد و پدران با تلفیق مهر و اقتدار می توانند به بهترین شیوه خانواده را سرپرستی کنند و به تعلیم و تربیت دینی فرزندان بپردازند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر (۱۳۶۴)، النهایه فی غریب الاثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم
۴. ابن منظور (۱۴۱۳ ق) لسان العرب، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۵. ابن سعد واقدی، محمد، (۱۳۶۹) طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ دوم، تهران، نو
۶. ابن شعبه بحرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۲، قم، جامعه مدرسین
۷. احدی، حسن، بنی جمالی، شکوه السادات (۱۳۹۸)، روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک، تهران، جیحون
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۴۶) کشف الغمّه فی معرفه الاثمه، ترجمه علی بن حسین زواره ای، چ دوم، قم، ادب الحوزه
۹. ارفع، ک (۱۳۹۱)، مکارم الاخلاق، تهران، تربت فیض کاشانی
۱۰. ارفع، سید کاظم (۱۳۹۵)، اخلاق در قرآن، محاسن، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی
۱۱. ارفع، سید کاظم (۱۳۷۹)، اخلاق در نهج البلاغه - بنیادهای اخلاق، ج ۱، چاپ اول، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی
۱۲. اسعدی، حسن (۱۳۹۹) خانواده و حقوق آن، مشهد، به نشر
۱۳. اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۹۵ ش)، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم

۱۴. اعرافی، علی رضا و همکاران، (۱۳۹۶) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، قم دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
۱۵. آلوسی، روح المعانی (۱۴۰۵ ق)، بیروت، احیاء التراث عربی
۱۶. امینی، ابراهیم (۱۳۹۸) آیین تربیت، قم انتشارات اسلامی
۱۷. بابازاده، علی اکبر (۱۳۹۶) تحلیل سیره فاطمه الزهرا، بی جا، انصاریان
۱۸. باقری، خسرو (۱۳۹۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران، انتشارات مدرسه
۱۹. بختیار نصر آبادی، حسنعلی (۱۳۹۸) نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تأملی بر آیات و روایات، اصفهان، دانشگاه اصفهان
۲۰. بستانی، محمود (۱۳۹۷ش) اسلام و روان شناسی، ترجمه محمود هویشم، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد
۲۱. بهشتی، احمد (۱۳۹۷) تربیت کودک در جهان امروز، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم
۲۲. پسندیده، عباس، (۱۳۹۸ش)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران، سمت، چاپ دوم
۲۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، الف، *عُرَرُ الْحِکْمِ وَ دُرَرُ الْکَلِمِ*، شرح آقا جمال خوانساری، ج ۴، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران
24. Aristolte (20۱۹)، *Nicomachean ethics*، (c، Rowe، Trans) ، Oxfard، Oxford University Press،
25. Darling، N، & Steinberg، L، (2015) ، *Parenting style as cotext، An integrative*
26. Gilligan، C، (2016) ، *In a different voice، Psychological theory and women's development*، Cambridge، MA، Harvard University Press،
27. Gilligan، C، (2017) ، *Moral development beyond adolescence*، In Charles N، Alexander & Ellen، J، Langer (Eds)، *Higher stages of human development*، New York، Oxford University Press،
28. Halstead، J، M، & Chuanyan Zhu، (20۱9) ، “Autonomy as an Element in Chinese Educational Reform، A Case Study of English Lessons in a Senior High School in Beijing” ، *Asia Pacific Journal of Education*، V، 29، No 4، Pp 443-456،
29. J، M، Halstead، (20۱4) ، “An Islamic Concept of Education” ، *Comparative Education*، No، 4، Pp 517-529،
30. Jonathan، H، W، tan، 2014، *Religion and social preferences، an experimental study*